

**۲۶ دلو را باید روز ملی شکست و اخراج خفتبار عساکر اشغالگر شوروی از افغانستان استقبال نماییم**  
**در چنین روز مهمی بازماندگان خلق و پرچم، مسببین اصلی بربادی کشور را هم نباید به فراموشی سپرد!!**



**تصویر خروج خفتبار آخرین گروه عساکر اشغالگر شوروی از بندر حیرتان- افغانستان**

امروز ۲۶ دلو ۱۴۰۲، مطابق به ۱۵ فروری ۲۰۲۴، درست ۳۵ سال از خروج اردوی ناکام اتحاد شوروی وقت، از افغانستان عزیز میگذرد. در حقیقت با عبور جنرال «گروموف»، آمر قوای نمبر ۴۰ اتحاد جماهیر شوروی سابق از شاهراه سالنگ، معبری که حقایق و اسرار تاریخی زیادی را از آغاز لشکر کشی آن مملکت متجاوز ببعد در سینه مدفون نموده است، اشغال شرم آور و غیر انسانی افغانستان توسط قوای مذکور، با سر افکندگی و یک شکست آشکارا، رسماً به پایان رسید.

ملت افغانستان باید چنین روزی را منحیث رخصتی عمومی و ملی تجلیل نموده و به عوض تقدیر از روز شهید برای متخلفینی چون « احمد شاه مسعود » و انحراف ذهنیت عامه به تاریخ های جعلی،

افتخار مبارزات و جهاد مقدس مردم سر سپرده ای را که ابر قدرت قرن را به شکست فاحشی مواجه ساختند و اعتبار جهانی آنرا معدوم نمودند، با سرافرازی برگزار نمایند!!

بعد از سقوط دولت شاهی و کودتای ناجائز سردار محمد داود در ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ بر علیه پسر کاکایش اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و به پشتی بانی غیر قابل تردید از گروه خیانتکار پرچم، به سلسله پلان گذاری های تدریجی اتحاد شوروی «پلان برژنف» برای تشکیل یک دوران گذرا، با فعالیت بیشتر از دو دهه جیره خوران و عمال وطنی وابسته به سفارت آن ابر قدرت در کابل و زمینه سازی کودتا های فریب کارانه خانمان بر انداز «۱» به نام «انقلابات»، افغانستان آزاد و غیر منسلک را به تدریج بطرف اشغال توسط عساکر روسیه شوروی کشانید.

نتیجه خیانت ملی مبرهن گروهی از خاک فروش وطنی بنام اعضای حزب مدهش «دیموکراتیک خلق افغانستان» که ائتلاف نامبارک و خائنانه خائنین «خلق و پرچم» در آن مضمربود، سبب گردید که سرزمین پاک ملت افغان مدت بیشتر از یک دهه مورد تجاوز عساکر نا خواسته اتحاد شوروی وقت قرار گیرد. درین حادثه افسناک و استخوان سوز که در آن از جدید ترین ماشین جنگی عصر برای نابودی خاک و مردم مظلوم افغانستان استفاده به عمل آمد، در پهلوی یکونیم ملیون شهید، بیشتر از دو ملیون معیوب، بیشتر از هفت ملیون آواره در بدر، انهدام هزاران قریه و ده از روی نقشه جغرافیای جهان و نابودی بنیادی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی سرزمین ما را فراهم نمود.



تصویری جگر خراش از فرار آوارگان افغان از مظالم و بمباردمان های اتحاد شوروی در افغانستان

متاسفانه جای پای آن دوران خونین و جنایاتی که «حزب دیموکراتیک خلق» و اشغالگران روس بر خاک و سکنه بیدفاع وارد نمودند، مردم شریف سرزمین ما را از هر گونه احساس آرامش و صلح،

عملاً و کاملاً تا ایندم محروم نموده است؛ چنانچه ملت مظلوم افغانستان روز بروز به انواع امراض جسمی و روانی، معیوبیت، خشونت بر زنان و اطفال و هزاران درد بیدرمان دیگر ناشی از جنگ های پیهم مصاب گردیده و عملاً در شرائط خون و آتش حیات بسر می برند.

ناگفته نماند که یکی از دلایل طوالت دوران اشغال و جنگ های خانمان سوز افغانستان ذریعۀ عساکر اتحاد شوروی، دردا که همراهی و امداد گروه دیگری از خاک فروشان وطنی میباشد که با امضای پروتوکول ها و قرار دادهای با قوای نمبر ۴۰ اتحاد شوروی «۲» اشغالگر، حفظ و مراقبت سالنگ ها را برای عبور عساکر شوروی و وسائل نقلیۀ و حفظ و مراقبت پایپ لاین گاز یعنی، شریان سوخت آنان را که از شمال به میدان هوایی عسکری «بگرام» کشیده شده بود، به حکم تاریخ و رویت اسناد معتبر، تضمین و سرپرستی نمودند. به فرمودۀ حضرت حافظ:

**من از بیگانگان هرگز ننالم      که با من هرچه کرد آن آشنا کرد**

در اواخر دهۀ ۸۰ میلادی، بعد از ناکامی های آشکارای قوای اشغال گر اتحاد شوروی و تلفات سهمگین مالی و جانی در افغانستان و پیروزی مجاهدین واقعی و سر به کف و بیشتر از یکو نیم ملیون شهید هموطن ما، قوای شکست خورده شوروی، با تحمل خسارات مالی و جانی زیاد، دست از پا دراز تر مجبور به بازگشت به روسیه گردید.

بنابراین واضح است که بعد از شکست آشکارا و خفت بار آن ابر قدرت در افغانستان و انهدام مادی و معنوی اش در صحنۀ سیاست و قدرتمندی جهانی آن، اعتبار روسیۀ شوروی در جامعۀ بین المللی از یکسو و حاکمیت و نفوذ وی بر اقمار و ممالک اروپای شرقی، سرزمین های آسیای مرکزی و حتی در بین خود ایالات مربوطۀ آن مملکت، کاملاً متزلزل گردید. مفکورۀ اینکه روسیه با شکست مدهش در افغانستان دیگر نمیتوانست با ملل آزادی خواه و قیام های استقلال طلبانۀ آنها مقابله نماید، در سر زمین های محکوم، قوت های ملی و مردمی را تقویه بخشید چنانچه در سال ۱۹۸۹ از مینۀ جنبش هم بستگی اتحادیه های کارگری در «پولند و هنگری» توانستند که دولت های کمونیستی موجود را به عقب بزنند. در خود اتحاد شوروی هم بعد از شکست فاحش و بی سابقه در افغانستان، از روی اجبار با آمدن میکائیل گورباچف، مفکورۀ **Perestroika** یا «ریفورم اقتصادی» بر اساسات سیستم «شوروی» که در حال سقوط قطعی بود، تغییرات زیادی را در مملکت وارد نمود.

درین شرایط انهدام «دیوار برلین» هم در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ به وقوع پیوست و بدون کدام مقاومت از جانب اولیای امور، با یک تزلزل روحیه، «پولیت بیروی» جمهوری دیموکراتیک آلمان، روز قبل استعفاء نمود و فردای آن رفت و آمد بین شرق و غرب بر روی دیوار منهدم گشته، آزاد گردید. باید تصریح نمود که اینهمه تغییرات فاحش جهانی را که شکست مدهش شوروی سابق در افغانستان در پی داشت، بر همه ملل جهان و بر تاریخ روشن است که نتیجه جهاد بینظیر ملت افغان با تلفات سهمگینی که متحمل گردید، بوده است.

. بعد از شکست شوروی، خاک فروشان «خلق و پرچم» توسط صبغت الله مجددی، بدون داشتن صلاحیت ملی مورد عفو قرار گرفتند و بالا فاصله حزب جنایتکار «پرچم» با شورای نظار و جمیعت ربانی و احمد شاه مسعود ادغام نمود..... بعداً برهان الدین ربانی که ادعای جهاد با روسیه را داشت، غرامات جنگی ملت افغان را که به تخمین بانک جهانی در آنوقت بیشتر از ۴۵ میلیارد دالر میگردید، در اولین فرصت، برای جلب پشتیبانی وی به رئیس جمهور «ولادیمیر پوتین» پیشکش نمود. با آمدن حامد کرزی به قدرت، جنایتکاران جنگی هر دو دوره جنگ های خونین، با ارتشاء و فشار بالای پارلمان و حکومت، خط بطلان بر جنایات بشری آشکارای خویش کشیده و با پامال عدالت اجتماعی، خود ها را «عفو» نمودند.....

### **بعد از ۳۵ سال هنوز وابستگان خلق و پرچم به مجازات خیانت ملی خود ها نرسیده اند:**

تاریخ جنگ ها و حوادث ناگوار ناشی از آنها در سرتاسر گیتی مشعر است که در هر چنان رویدادی که باعث تباهی یک کشور یا مردم آن گشته است، عاملان و مجریان آن حوادث دیر یا زود به بازخواست قانونی و سزای اعمال سخیف خود ها رسیده اند. نمونه بارز آن دادخواهی و مجازات اعضای «دولت هتلری ناسیونال سوسیالیزم آلمان» است که مظالم زیادی را به اقلیت یهودی مذهب آلمان و اروپا وارد نمودند که بعد از ۷۹ سال و تا امروز بازماندگان سالمند آن رژیم مخوف را از اقصی نقاط جهان به عدالت و سرپنجه قانون میسپارند!!

در افغانستان جنگ زده ویران و خارج از آن خیانت پیشگان «خلق و پرچم» نه تنها از جانب تنظیم های قدرت طلب جهادی عفو گردیدند، بلکه در سر تا سر گیتی این فرو مایگان با شتارت و سربلندی!! از اعمال سخیف و جنایات علنی و مبرهن خود ها انکار ورزیده و آن رژیم و دولت تکیه به شوروی اشغالگر را راه «نجات» ملت مظلوم و بیدفاع افغانستان میدانند. پناه بر خدا!!

اینکه بیان نماییم که چگونه و کی ها «نه به اصطلاح ایرانی - چه کسی» در دولت های بعدی جذب گردیده و به مناصب بالایی رسیدند، از حوصله این مختصر خارج است، ولی حتی در دولت

دیموکراسی صادراتی حامد کرزی و «**اشرف غنی**» هم ده ها از زیردار گریختگان سیاه روی «**خلق و پرچم**» مورد تفوق آنان قرار گرفته و با آدم کشان جهادی «**ایل و غیل**» شده، چوکی های دولتی و پارلمانی مردم افغانستان را تصرف نمودند.

حال میرویم به سراغ میدیا و مطبوعات افغانی بیرون افغانستان که با ندانم کاری و اهمال مسئولان مربوطه تعداد چشمگیری ازین گروه شناخته شده و دقیقاً سابقه دارچی فعال گردیده و به قلم فرسایی های بیشرمانه نه تنها صفحات وبسایت های افغانی را خدشه دار مینمایند، بلکه باعث تحریف حقایق تاریخی کشور گردیده و هنوز هم باعث تغییر ذهنیت نسل های افغان ما میگردند!!

اینکه وبسایت هایی که تمایل به آن گروه سفاک و روسیاه تاریخ افغانستان عزیز دارند، تبلیغات دایمی شان با اشتراک پیروان جریان دارد، تعجبی نیست، ولی افسوس و تحیر ما در مورد وبسایت هایی مانند «**افغان جرمن آنلاین**» است که با فعالیت وسیع زیردارگریختگان «**خلفی و پرچمی**» با القاب پوهاند و داکتر و و... غیر مستقیم و دقیقاً بر این وبسایت تفوق دارند و با داشتن دست دراز در فعالیت برای «**قاموس**»، در دریچه نظریات هم مورد تفقد و قدرمندی دایمی قرار می گیرند.

متأسفانه با تمام نفرت و انزجاری که مرحوم «**ولی احمد نوری**» از خیانت پیشگان «**خلق و پرچم**» داشت، در سالهای اخیر حیات و فشار مریضی های گوناگون، در وبسایت ملی «**آریانا افغانستان آنلاین**» هم به تدریج جای پای آن گروه مترود به مشاهده رسید که دقیقاً موجبات استعفای این قلم و محترم حمید انوری را فراهم نمود.

امید می رود که برادر و دوست محترم «**فرید فهیم**» هرچه زودتر متوجه سفسطه سرایی ها و تحریفات عده ای از آن گروه های سخیف گردیده و به صفا کاری وبسایت اقدام بورزد.

در پایان، با خلوص نیت و درود بروح پر فتوح مجاهدین شهید افغان و قهرمانان واقعی این خطه پاک، بزرگداشت ۲۶ دلو، روز تاریخی شکست و خروج قوای اشغالگر شوروی را به ملت مظلوم و رنجور افغان تهنیت گفته و معتقدیم که علی الرغم این همه نابسامانی ها و حمایه از جنایتکاران و خائنین ملی و قدرتمندی آنان بر مقدرات مردم بی دفاع ما، روز بازخواست و عدالت ایزدی يك جامعه سالم را با صلح و امنیت نصیب هموطنان جنگ دیده و دردمند ما خواهد نمود. به امید آرزو!

**نوت:**

۱- بدون شک در هر دو کودتای سرنوشت ساز و وابسته به هم در افغانستان که عمال وطنی مربوط به شوروی وقت دست آزاد داشتند، برای تخریب و تحریف افکار عامه، اسم «انقلاب» بر آنان گذاشته

شده است. در کودتای ۲۶ سرطان شاه افغانستان برای تداوی در خارج تشریف داشتند، تعداد قلیلی از مأمورین اردوی افغانستان که به دستور قوماندان های خود، تغیر رژیم را شبانه روبراه نمودند، نمیتواند «انقلاب» نامیده شود. در کودتای منحوس ثور هم که برای ملت فریبی آنرا « انقلاب ظفر نمون برگشت ناپذیر» مینامیدند، همچنان که جمعی عساکر فریب خورده و آمرین «خلقى و پرچمی» آن با نظارت سفارت شوروی در کابل، دقیقاً آنرا روبراه نمودند، کوچکترین شباهتی به «انقلاب» که در آن اکثریت ملت با نا رضایتی عمومی از طرز اداره دولت، در پی تغیر رژیم و سقوط آن اقدام مینمایند و بیشتر جنبه ملی همگانی و رضایت مردمی می داشته باشد، ندارد!

۲- در مورد روابط سری و نزدیک احمد شاه مسعود و همکاری های پیهم نامبرده به اساس امضای پروتوکول ها که در آن از حمایت قوای اشغالگر شوروی در مسیر شاهراه سالنگ باشد، تا حفظ و مراقبت از پیپ لین برای ماشین جنگی روسیه و البته سر به نیست نمودن مجاهدینیکه در مناطق وابسته به مسیر قوای زمینی به جهاد مقدس میپرداختند، آنقدر اسناد و مدارک موجود گردیده است که دیگر مجالى برای انکار باقی نمیماند؛ مخصوصاً که اسناد و کتبی که از جانب اولیای امور شوروی سابق مانند جنرال گروموف آمر عمومی قوای اشغالگر نمبر ۴۰ که در کتاب خاطرات نامبرده مسعود را بهترین همکار و دوست شوروی معرفی نموده است.

پایان

Dawatmedia۲۴.com